

چکیده

جرم آدم‌ربایی و مخفی کردن دیگری دو مصداق از جرایم علیه اشخاص است که علاوه بر سلب آزادی و صدمات بدنی که ممکن است به مجنی علیه وارد شود، بیشتر شخصیت معنوی قربانی جرم، مورد تعرض قرار می‌گیرد. این جرم که به صورت خاص، يك ماده و به صورت عام، چند ماده از قانون مجازات اسلامی را به خود اختصاص داده و در منابع قوانین کیفری ایران، مصوبات فراوانی در مورد آن دیده می‌شود، کمتر در نوشته‌های حقوقی، مورد کنکاش و بررسی قرار گرفته است. این مقاله سعی دارد ضمن بررسی عناصر عمومی و اختصاصی این دو جرم، به وضعیت قوانین و مقررات موجود هم اشاره شود تا ناسخ و منسوخ و عام و خاص این مقررات مشخص شود و این مطلب، بخش زیادی از مقاله را به خود اختصاص خواهد داد؛ زیرا ابهام‌های فراوانی در این زمینه وجود دارد که نیازمند تنقیح جدی می‌باشد. همچنین تبیین دیدگاه‌های فقهی، ارتباط این دو جرم با جرایم مشابه (مانند توقیف و حبس غیرقانونی) علل تشدید مجازات، شروع در جرم و تعلیق مجازات از مباحث دیگری است که بخشی از مقاله را به خود اختصاص خواهند داد.

واژگان کلیدی: آدم‌ربایی، مخفی کردن دیگری، سرقت، توقیف غیر قانونی، آزادی شخصی، سلب آزادی تن دیگری، ربودن طفل.

مقدمه

خداوند در قرآن، انسان را بسیار تکریم کرده است و در آیه 70 سوره اسراء می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» «ما فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم و آنها را به مرکب دریا و خشکی سوار کردیم و از هر غذای پاکیزه روزی دادیم و ایشان را بر بسیاری از مخلوقات خود برتری و فضیلت بخشیدیم.» آزادی انسان در روایات ائمه معصومین علیهم‌السلام جزء خلقت و سرشت انسان دانسته شده است که انسان بدون آن معنا ندارد. (نهج: 406) مواد فراوانی از اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه (1789) و اعلامیه جهانی حقوق بشر (1948) و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (1966) و اعلامیه اسلامی حقوق بشر (1990) بر آزادی انسان و بخصوص آزادی تن او تصریح دارند. (ناصرزاده: دفتر اول)

اصل 22 قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر می‌دارد: "حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند." یکی از حقوق اساسی افراد که آن هم در قانون اساسی پیش‌بینی شده است حق آزادی تن می‌باشد که بارزترین مصداق آزادیهای شخصی است. این حق را اصل 32 قانون اساسی چنین بیان می‌کند: «هیچ کس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند.» و اصل 33 نیز آورده است: «هیچ کس را نمی‌توان از محل اقامت خود تبعید کرد، یا از اقامت در محل مورد علاقه‌اش ممنوع، یا به اقامت در محلی اجبار ساخت، مگر در مواردی که قانون مقرر می‌دارد.» پس هر کسی حق دارد که آزادانه در کوچه، خیابان و مکانهای مجاز راه برود و از آزادی تن بهره مند باشد.

اما همان گونه که می‌دانیم قانون اساسی، ضمانت اجرای مهمی برای تأمین این حق و بسیاری از حقوق اساسی دیگر ندارد؛ بلکه قانون عادی باید اجرای اصول قانون اساسی را تضمین نماید که در این راستا قانون مجازات اسلامی به موجب مواد 575، 583، 621 و برخی مواد دیگر، ضمانت اجرای حق آزادی تن را پیش‌بینی کرده است؛ همان گونه که قبلاً نیز قانون مجازات عمومی و قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص مصوب 1353/12/18 در این خصوص به تصویب رسیده بود. مقررات کنونی در مورد جرم سلب آزادی تن دیگری، عاری از ابهام نیست و نیاز به تنقیح و توضیح دارد که در این مقاله سعی شده است به بررسی جوانب مختلف جرم مزبور و به خصوص نکات مبهم آن پرداخته شود.

1- تعریف آدم‌ربایی

آدمربایی، معادل واژه های (abduction, kidnapping) در زبان انگلیسی و واژه (enlevement) در زبان فرانسه و واژه (اختطاف) در زبان عربی می‌باشد که در برخی موارد، برای مطلق آدمربایی و در برخی موارد، برای ربودن دختر به منظور عمل نامشروع به کار می‌رود و تعریفهای زیر برای این واژه‌ها بیان شده است:

انتقال يك يا چند شخص از مكاني به مكان ديگر برخلاف اراده آنان، كه ممكن است از راه خدعه يا فریفتن يا با زور انجام گیرد. (موريس نخله‌و: 96)

انتقال يك شخص بدون رضایت او از محلی به محل دیگر به وسیله زور، تهدید یا فریفتن. (Dictionary: 256)

آدمربایی به معنای سلب آزادی تن است؛ بنابراین ابتدا باید معنای آزادی تن را دانست. آزادی تن چنین تعریف شده است: «آزادی بدنی هر فرد بطوری که بتواند از هر نقطه کشور به نقطه دیگر آن، مسافرت نموده یا نقل مکان دهد یا از کشور خود خارج شده و به آن مراجعت نماید و از توقیف بدون جهت محفوظ و مصون باشد. نتیجه این آزادی، لغو بردگی و شبه بردگی، لغو بیگاری، منع توقیف و حبس بدون مجوز اشخاص است.» (جعفری) بنابراین آدمربایی به معنای سلب آزادی تن دیگری بدون رضایت او و با قصد نامشروع، از راه جابجانی از محلی به محل دیگر می‌باشد.

مخفی کردن هم، سلب آزادی تن دیگری بدون رضایت او و به قصد نامشروع از طریق پنهان کردن افراد در محلی می‌باشد.

2- عنصر قانونی جرم آدمربایی و بررسی قوانین ناسخ و منسوخ

در مورد جرم آدمربایی، تا کنون مقررات مختلفی وضع گردیده و قانونگذار سعی کرده است در زمانهای مختلف برای مبارزه با این پدیده زشت و شنیع به شدت برخورد نماید و البته این تعدد، ابهامهایی را نیز به وجود آورده است که در این جا لازم است ضمن بیان مقررات گذشته، به مقایسه آنها با آخرین اراده قانونگذار و بیان ناسخ و منسوخ یا عام و خاص آنها بپردازیم:

2-1- ماده 209 قانون مجازات عمومی مصوب 1304:

الف - هر کس به علف یا تهدید و یا حيله كسى را برای عمل منافی عفت یا برای وادار کردن به عمل مزبور برباید یا مخفی کند، به حبس جنایی درجه دو از 2 تا 5 سال محكوم خواهد شد؛ مگر این که به میل خود و قبل از صدور قرار مجرمیت و بدون این که نسبت به مجنی علیه مرتكب عمل منافی عفتی شده باشد، او را به منزلی که از آن جا ربوده و یا به منزل کسان او و یا به محل مطمئنی که در دسترس او باشد، برساند که در این صورت مرتكب به يك الی شش ماه حبس جنحه‌ای محكوم می‌شود. در این صورت وجود یکی از علل مشدده مذکور در فقره 1، 2، 3، 4، 5 و 6 بند (الف) ماده 207 مرتكب به حداکثر مجازات فوق محكوم می‌شود.

ب - هر کس به علف یا تهدید و یا حيله شخصا یا به وسیله دیگری زنی را برای ازدواج با او برباید یا مخفی کند، به حبس جنحه‌ای از يك تا سه سال محكوم خواهد شد؛ مگر این که مرتكب به میل خود و قبل از صدور قرار مجرمیت بدون این که نسبت به مجنی علیها مرتكب عمل منافی عفتی شده باشد، او را به منزلی که از آن جا ربوده و یا به منزل کسان او یا به محل مطمئنی که در دسترس کسان او باشد، برساند که در این صورت به حبس جنحه‌ای از 11 روز تا دو ماه محكوم می‌شود. در این صورت با وجود یکی از علل مشدده مذکور در فقره 1، 2، 3، 4، 5 و 6 بند (الف) ماده 207 مرتكب به حداکثر مجازات مقرر محكوم می‌شود.

ج - اگر کسی، شخصی را که بیش از 15 سال داشته ولی به سن 18 سال تمام نرسیده است، با رضایت او برای ازدواج با او برباید یا مخفی کند، به حبس جنحه‌ای از سه ماه تا يك سال محكوم خواهد شد.

هرگاه جرمهای مذکور در بند (ج) و (د) این ماده در مورد کسی واقع شود که 15 سال یا کمتر دارد، مجازات مرتكب همان مجازاتی است که برای ارتكاب به علف مقرر است.

در مورد بند (ب) و (د) این ماده اگر مجنی علیها راضی به ازدواج گشته و قبل از صدور قرار مجرمیت، ازدواج هم به عمل آمده باشد، دیگر مرتکب، تعقیب نخواهد شد؛ مگر این که مطابق مقررات قانون ازدواج، قابل تعقیب باشد که در این صورت به مجازات مقرر در آن قانون محکوم می‌شود.

در موارد مذکور در این ماده اگر عمل مرتکب، مشمول یکی از مواد دیگر این فصل باشد که مستلزم مجازات سخت‌تر است، مرتکب به مجازات اشد محکوم خواهد شد. " این قانون که بعداً به موجب قوانین دیگر منسوخ گردید، فقط به آدمربایی برای منظور خاص - یعنی عمل منافعی عفت یا ازدواج - اشاره داشت و شامل سایر اقسام آدمربایی نمی‌شد. در قوانین کشورهای خارجی، این صورت از آدمربایی معمولاً دارای مقررات جداگانه‌ای است. (نجم: 184)

2-2 - قانون مربوط به تشدید مجازات رانندگان متخلف مصوب 1335/10/5: «هر راننده ای اعم از آنکه شغل او رانندگی باشد یا نباشد، شخصا و یا با شرکت دیگری به قصد قتل یا سرقت اموال یا هتك ناموس، مرتکب ربودن شخص یا اشخاصی که در آن وسیله نقلیه است، بشود، در صورت وقوع قتل، محکوم به اعدام است و دادرسان، حق ندارند مجازات را حتی يك درجه تخفیف دهند و در صورت وقوع سرقت و یا هتك ناموس به عتف به حبس دائم و در صورت شروع به قتل یا شروع به سرقت و یا شروع به هتك ناموس به عتف به حبس جنایی درجه يك از پنج تا پانزده سال مجازات محکوم خواهد شد.» در گذشته این قانون به عنوان يك قانون خاص در کنار مقررات عمومی آدمربایی وجود داشت و مورد عمل قرار می‌گرفت، اما در حال حاضر آدمربایی با وسیله نقلیه در ماده 621 قانون مجازات اسلامی پیش‌بینی شده است و لذا مفاد قانون مزبور، منسوخ می‌باشد.

2-3 - قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص، مصوب 1353/12/18 که شامل 11 ماده می‌باشد. در ابتدا ممکن است به نظر برسد که نسخ این قانون خاص بموجب ماده 621 قانون مجازات اسلامی، بدیهی و روشن است؛ زیرا این قانون تا زمانی معتبر بود که قانون مجازات عمومی و قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مقررات خاصی را در مورد آدمربایی بیان نکرده بودند (یعنی تا سال 1375)، اما زمانی که قانونگذار در اصلاحات 1375 قانون مجازات اسلامی، این جرم را پیش‌بینی کرد، مقررات دیگر و از جمله قانون موصوف نسخ گردید. این ادعا به صورت مطلق قابل قبول نیست؛ بلکه باید به بررسی تكت تكت مواد این قانون پرداخت تا رابطه آن با ماده 621 قانون مجازات اسلامی آشکار گردد و نیز لازم است قبل از بیان متن آن قانون، ماده 621 قانون مجازات اسلامی هم بیان گردد: «هر کس به قصد مطالبه وجه یا مال یا به قصد انتقام یا به هر منظور دیگر به عتف یا تهدید یا حيله یا به هر نحو دیگر شخصا یا توسط دیگری شخصی را بر باید یا مخفی کند، به حبس از پنج تا پانزده سال محکوم خواهد شد. در صورتی که سن مجنی علیه کمتر از پانزده سال تمام باشد یا ربودن توسط وسایل نقلیه انجام پذیرد یا به مجنی علیه آسیب جسمی یا حیثیتی وارد شود، مرتکب به حد اکثر مجازات تعیین شده محکوم خواهد شد و در صورت ارتکاب جرایم دیگر به مجازات آن جرم نیز محکوم می‌گردد.

تبصره - مجازات شروع به ربودن سه تا پنج سال حبس است.»

حال به تطبیق این ماده با مواد قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص می‌پردازیم:

ماده 1: «هر کس به قصد مطالبه وجه یا مال یا به قصد انتقام یا به هر منظور سوء دیگر به عتف یا تهدید یا حيله یا به هر نحو دیگر، شخصی را بر باید یا مخفی کند، به حبس جنایی درجه دو از دو تا ده سال محکوم خواهد شد. در صورتی که سن مجنی علیه کمتر از پانزده سال تمام باشد، مجازات مرتکب حبس جنایی درجه يك از سه تا پانزده سال خواهد بود.» مفاد این ماده در ماده 621 قانون مجازات اسلامی بیان شده است و در نتیجه این ماده منسوخ می‌باشد و تفاوت‌های عبارتی (مانند منظور سوء) که در ماده 621 نیامده است، موجب تفاوت محتوایی این دو ماده نیست.

ماده 2: «هرگاه سن مجنی علیه کمتر از پانزده سال تمام باشد و به سبب ربودن یا اخفا یا آسیب وارده فوت کند یا ناپدید شود یا به او صدمه جسمی یا روانی برسد که منجر به مرض دائم یا زوال عقل یا فقدان یکی از حواس یا از کار افتادن یکی از اعضای اصلی بدن او گردد، مجازات مرتکب، اعدام است.» در مورد نسخ این ماده به وسیله ماده 621 قانون مجازات اسلامی ابهام جدی وجود دارد؛ زیرا ماده 621 مقرر می‌دارد: «و در صورت ارتکاب جرایم دیگر، به مجازات آن جرم نیز محکوم می‌گردد.» این عبارت، اطلاق دارد و شامل جرم قتل و صدمه جسمی یا روانی یا مرض دائم یا زوال عقل یا فقدان یکی از حواس یا از کار افتادن یکی از اعضای اصلی بدن هم می‌شود، که اگر به صورت عمدی

باشد، قصاص صورت می‌گیرد و اگر هم عمدی نباشد یا در صورت عمدی بودن، قصاص امکان نداشته باشد، دیه پرداخت می‌شود و مجازات تعزیری مذکور در ماده 612 و 614 قانون مجازات اسلامی نیز ممکن است اعمال گردد. اما این ادعا از چند جهت مخدوش می‌باشد؛ زیرا:

اولاً ماده 2 مذکور برای اعمال مجازات اعدام، صرف برقراری رابطه سببیت میان آدم‌ربایی و فوت مجنی علیه را کافی می‌داند؛ اما مجازات قصاص، شرایط خاصی دارد که باید آن شرایط نیز فراهم باشد؛ مثلاً قاتل باید پدر مقتول نباشد، حال آنکه در این جا چنین شرایطی وجود ندارد. در مورد رابطه سببیت باید توجه داشت که این رابطه باید عرفاً قابل پذیرش باشد و سبب بعید به حساب نیاید؛ مثلاً چنانچه شخص ربوده شده دچار بیماری قلبی باشد و این مطلب را به آدم ربا بگوید و خطر سکنه خود را گوشزد نماید، اما آدم ربا به آن توجهی نکند و مجنی علیه بر اثر ترسی که از ربودن خود پیدا کرده است، سکنه نموده و فوت کند، می‌توان این فوت را به سبب آدم‌ربایی دانست. اما اگر شخص ربوده شده برای فرار از قتل که به آن تهدید شده است، اقدام به خودکشی نمود یا برای رهایی از دست آدم ربا، فرار کرد و بر اثر سقوط از بلندی فوت نمود، نمی‌توان آدم‌ربایی را سبب این فوت و قتل به حساب آورد.

ثانیاً، اطلاق ماده 2 شامل قتل غیر عمدی هم می‌شود. یعنی قتل غیر عمد نیز مستوجب مجازات اعدام است؛ اما مجازات قصاص فقط برای قتل عمدی اعمال می‌گردد. ممکن است گفته شود این مجازات زمانی قابل اعمال بود که مجازات قصاص وجود نداشت، اما این ادعا مردود است؛ زیرا در آن زمان نیز قانون مجازات عمومی، مجازات اعدام را تنها برای قتل عمد و در حکم عمد برقرار کرده بود و صرف تحقق رابطه سببیت کافی نبود.

ثالثاً، ماده 621 اشاره‌ای به ناپدید شدن مجنی علیه ندارد و مقررات خاص دیگری هم در این خصوص وجود ندارد. بنابراین از این جهت، تعارضی میان دو ماده موصوف نیست. البته ماده 338 قانون مجازات اسلامی، مورد مشابهی را بیان می‌کند که عین مسأله مورد بحث ما نیست: «هرگاه شخصی را که شبانه از منزلش خوانده و بیرون برده اند مفقود شود، دعوت کننده ضامن دیه اوست مگر این که ثابت کند که دیگری او را کشته است و نیز اگر ثابت شود که به مرگ عادی یا علل قهری در گذشته چیزی بر عهده دعوت کننده نیست.» مستند شرعی این ماده، روایات صادره از ائمه معصومین علیهم‌السلام است (حر عاملی: 36/19) و مشهور فقها نیز مطابق آن فتوا داده‌اند (نجفی: 80/43) اما عده‌ای هم دعوت کننده را در صورتی مسؤول می‌دانند که رابطه خصومت و دشمنی با مجنی علیه داشته باشد. (ابن ادریس: 340/25)

رابعاً، مجازات ایراد صدمات مذکور در ماده 2 به موجب مقررات قانون مجازات اسلامی، هرگز اعدام و قصاص نیست. بنابراین ماده 2 به صورت خاص آن را بیان کرده است و دلیلی هم بر نسخ آن وجود ندارد.

خامساً، مجازات اعدام و قصاص، دو مجازات متفاوتی هستند که یکی جنبه حدی و دیگری جنبه تعزیری دارد و یکی قابل گذشت و دیگری غیرقابل گذشت است. بنابراین هر کدام را می‌توان در محل خود اعمال کرد. البته ادعایی که در این جا می‌توان مطرح کرد و قابل دفاع نیز می‌باشد؛ این که چنانچه شخصی، دیگری را بر باید و عمداً او را بکشد، مجازات او قصاص است؛ اما اگر عمدی بودن قتل معلوم نباشد، بلکه رابطه سببیت میان آدم‌ربایی و قتل وجود داشته باشد، حکم به مجازات اعدام داده می‌شود.

ماده 3: «هرگاه سن مجنی علیه کمتر از پانزده سال تمام باشد و با او لواط شده یا هتك ناموس او شده باشد مجازات مرتکب، حبس دائم است و اگر سن مجنی علیه کمتر از دوازده سال تمام باشد مجازات مرتکب اعدام است.» اگر منظور از لواط در این جا همان معنای اصطلاحی شرعی باشد: (وطی انسان مذکر به صورت دخول و تفخیز) و اگر منظور از هتك ناموس، زنا به معنای مصطلح شرعی آن باشد: (جماع مرد با زنی که بر او ذاتاً حرام است اگر چه در دبر باشد، در غیر موارد وطی به شبهه) مقررات خاصی برای این دو جرم که از جرایم حدی هستند در قانون مجازات اسلامی بیان شده است؛ اما مجازات تفخیز، اعدام نیست بلکه صد تازیانه است (ماده 121 قانون مجازات اسلامی) و منظور از هتك ناموس نیز، چنانچه رابطه نامشروع یا عمل منافی عفت مانند تقبیل یا مضاجعه باشد، مجازات آن اعدام یا قتل یا سنگسار نیست بلکه تا 99 ضربه شلاق است (ماده 637 قانون مجازات اسلامی). بنابراین در چنین مواردی شبهه به وجود می‌آید که آیا باید به حکم ماده 3 موصوف حکم به مجازات اعدام یا حبس ابد داده شود یا این که باید به مجازاتهای حدی یا تعزیری اکتفا نمود؟ به نظر می‌رسد در این موارد باید گفت که ماده 3 به موجب ماده 621 قانون مجازات

اسلامی منسوخ گردیده است و مشمول عبارت «و در صورت ارتکاب جرایم دیگر به مجازات آن جرم نیز محکوم می‌گردد» خواهد بود.

ممکن است گفته شود که ارتکاب لواط و هتك ناموس، هرگاه از راه آدم‌ربایی صورت گیرد و سن مجنی علیه هم کمتر از دوازده یا پانزده سال باشد، مشمول ماده 3 می‌باشد و ماده 3، عموم مقررات لواط و زنا را تخصیص می‌زند و اشکالی ندارد که خاص مقدم، عام مؤخر را تخصیص بزند. این ادعا با توجه به این که قانونگذار اسلامی، تفکیکی میان صورتهای مختلف لواط و زنا به عمل نیاورده است، قابل قبول نمی‌باشد؛ بلکه عموم مقررات لواط و زنا شامل مورد مذکور در ماده 3 نیز می‌شود و ناسخ آن است.

ممکن است آدم ربا قصد خاصی برای عمل خود داشته باشد؛ اما قبل از این که عمل مورد نظر را انجام دهد دستگیر شود. مثلاً بخواهد مرتکب لواط شود و هنگام شروع به لواط دستگیر شود. ظاهر ماده 621 و عبارت (ارتکاب جرایم دیگر) بیانگر آن است که در این جا هم قواعد تعدد جرم، حاکم است و اگر عملیات شروع در آن جرم، دارای مجازات باشد، مجازات آن اعمال می‌گردد؛ اما ظاهراً دیوان عالی کشور در رأی اصراری شماره 1348/4/11-172 که در این زمینه صادر کرده است، خلاف آن را پذیرفته است: «دادگاه جنایی، مجرد ربودن طفل و مخفی نمودن وی را در زیر لحاف از مصادیق ماده 207 و ماده 20 قانون مجازات عمومی دانسته است، در صورتی که بر اعمال انتسابی به متهم به کیفیتی که دادگاه احراز کرده، عنوان شروع به بزه لواط به عنف صادق نیست و با توجه به ماده 209 قانون مجازات عمومی که ربودن طفل را به قصد عمل منافی عفت جرم مستقلی شناخته، بزه انتسابی به متهم بر تقدیر ثبوت از مصادیق ماده مزبور می‌باشد.» این رای را باید با توجه به مقررات حاکم در آن زمان توجیه کرد.

ظاهراً منظور از (مرتکب) در ماده 3 همان آدم رباست که عمل لواط یا هتك ناموس را نیز انجام می‌دهد. بنابراین اگر شخصی غیر از آدم ربا مرتکب لواط یا هتك ناموس گردد، احکام خاص این دو جرم را خواهد داشت.

ماده 4: «هرگاه سن مجنی علیه، پانزده سال تمام یا بیشتر باشد و به سبب ربودن یا اخفاء یا آسیبهای وارده فوت کند یا ناپدید شود، مجازات مرتکب اعدام است و اگر به او صدمه جسمانی یا روانی وارد شود که منجر به مرض دائم یا زوال عقل یا فقدان یکی از حواس یا از کار افتادن یکی از اعضای اصلی بدن او گردد و یا با او لواط شده یا هتك ناموس او شده باشد مجازات مرتکب، حبس دائم است.» تفاوت اساسی ماده 4 با ماده 621 آن است که ماده 621 به ناپدید شدن مجنی علیه اشاره‌ای ندارد. بنابراین ماده 4 در این خصوص به اعتبار خود باقی است و به نظر نمی‌رسد که ماده 338 قانون مجازات اسلامی، حاکم بر این مورد باشد؛ زیرا دعوت کردن از منزل، الزاماً به شکل آدم‌ربایی محقق نمی‌شود. در مورد لواط یا زنا با شخص ربوده شده یا فوت ناشی از ربودن یا اخفاء یا آسیبهای وارده و صدمات جسمانی و روانی، همان مطالبی که در ذیل مواد 2 و 3 گفته شد، در این جا هم قابل بیان است. از جمله این که هرگاه شخصی غیر از آدم ربا صدمه جسمانی یا روحی به مجنی علیه وارد کند یا سبب فوت او شود، مجازات این جرایم نسبت به مرتکب، اعمال می‌گردد و آدم ربا در این خصوص مسئولیتی ندارد و در مورد وی مجازات آدم‌ربایی ساده اعمال می‌گردد.

ماده 5: «هرگاه به مجنی علیه صدمه جسمی یا حیثیتی وارد شود، در صورتی که سن او کمتر از پانزده سال تمام باشد مجازات مرتکب، حبس دائم است و اگر سن او پانزده سال تمام یا بیشتر باشد مجازات مرتکب حبس جنایی درجه یک از سه تا پانزده سال است.» وارد کردن صدمه جسمی یا حیثیتی به مجنی علیه در ماده 621 بیان شده است؛ اما در این ماده، تفکیکی میان صغر و کبر سن به عمل نیامده است. بنابراین ممکن است، گفته شود هرگاه به مجنی علیه که سن او کمتر از پانزده سال است آسیب جسمی یا حیثیتی وارد شود، مجازات مرتکب، به حکم ماده 5، حبس ابد است و این مورد، مشمول ماده 621 نمی‌شود؛ زیرا در آن ماده عامل صغر سن و آسیب به مجنی علیه به صورت اجتماعی بیان نشده است، بلکه صورتی را بیان می‌کند که هر یک از این دو عامل به تنهایی اتفاق بیفتد. این احتمال قابل توجیه و دفاع است؛ اما بعید است که مورد نظر قانونگذار بوده باشد.

ماده 6: «در مورد ناپدید شدن مجنی علیه، حکم اعدام تا احراز این موضوع که مجنی علیه در اثر جرم ارتكابی، فوت نموده است اجرا نخواهد شد و محکوم علیه در حبس باقی می‌ماند و هرگاه پس از صدور حکم قطعی دلیلی بر زنده بودن مجنی علیه به دست آید، اعاده دادرسی به عمل خواهد آمد.» این حکم در ماده 621 قانون مجازات اسلامی وجود ندارد. بنابراین چنانچه حکم اعدام را در صورت مفقود شدن مجنی علیه، ممکن بدانیم این ماده به اعتبار خود باقی خواهد بود.

ماده 7 : «هر کس اعمال مذکور در ماده يك را توسط دیگری انجام دهد به همان مجازات مباشر جرم محکوم می‌شود و در این مورد ترتیب تخفیف مجازات همان است که در باره مباشر مقرر گردیده است.» مفاد این ماده در ماده 621 بیان شده است: (شخصاً یا توسط دیگری)، اما هرگاه مجازات یا احکام خاص مذکور در قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص اعمال گردد، نسبت به آمر نیز اجرا خواهد شد. اعمال مجازات آدمربایی نسبت به آمر، سبب سلب مسئولیت مباشر نمی‌شود. بنابراین شخصی که آدمربایی را مباشرتاً انجام داده است به مجازات آدمربایی محکوم می‌گردد، مگر این که علل رافع مسئولیت کیفری وجود داشته باشد، مانند این که آمر، دیگری را مجبور یا اکراه نماید که شخصی را برباید که در این صورت به حکم ماده 54 قانون مجازات اسلامی، مجازات فقط متوجه اکراه کننده خواهد بود.

ماده 8 : «در صورتی که مرتکب قبل از دستگیری، مجنی‌علیه را به کسانی یا به ضابطین دادگستری تحویل نماید و یا موجبات تسلیم او را فراهم کند، دادگاه می‌تواند مجازات مرتکب را تا دو درجه تخفیف دهد و هرگاه مرتکب تا قبل از صدور حکم قطعی، مجنی‌علیه را تحویل دهد و یا موجبات تسلیم را فراهم نماید و یا شاکي خصوصی، گذشت نماید، دادگاه می‌تواند فقط يك درجه مجازات را تخفیف دهد.» ماده 8 در مواردی که به قانون تشدید مجازات، عمل می‌شود قابل اعمال است؛ اما در خصوص مجازات قصاص یا دیه یا تعزیرات نمی‌توان به آن عمل کرد، بلکه باید مقررات عمومی جرایم فوق را اعمال نمود. بنابراین اگر صدمه به مجنی‌علیه منجر به مرض دائم شود و مرتکب، مجنی‌علیه را تحویل ضابطان دادگستری بدهد و دادگاه بخواهد بر اساس ماده 2 قانون تشدید مجازات، حکم بدهد، می‌تواند مجازات را به مقدار پیش‌بینی شده در این ماده تخفیف بدهد. همچنین ممکن است، گفته شود که تخفیف مجازات جرم آدمربایی، تابع مقررات خاص ماده 8 می‌باشد. بنابراین عموم مقررات ماده 22 قانون مجازات اسلامی را تخصیص می‌زنند. اما این ادعا چندان منطقی به نظر نمی‌رسد. شاکي خصوصی در جرم آدمربایی معمولاً همان شخصی است که ربوده شده است، مگر این که محجور باشد که در این صورت ولی یا قیم او، شاکي خصوصی به حساب می‌آیند. اگر در صورت فوت مجنی‌علیه، ورثه را شاکي خصوصی بدانیم، به نظر می‌رسد که رضایت همگی آنان برای اعمال تخفیف مجازات لازم نیست، بلکه رضایت يك یا چند نفر نیز کفایت می‌کند و این مطلب در مورد اعمال ماده 277 قانون آیین دادرسی کیفری نیز صادق است.

ماده 9 : «در صورتی که مرتکب جرایم مندرج در این قانون، بیش از پانزده سال و کمتر از هجده سال تمام داشته باشد، دادگاه می‌تواند او را با رعایت ماده 33 قانون مجازات عمومی تا پانزده سال حبس محکوم نماید.» این ماده به موجب مقررات عمومی مربوط به مسئولیت کیفری، منسوخ شده است. هرچند ممکن است، گفته شود قانونگذار، زمانی این ماده را وضع کرده که مقررات خاصی در مورد سن مجرم برای مسئولیت کیفری وجود داشته است. بنابراین ماده 9، يك حکم خاص است که صرفاً در مورد آدمربایی حاکمیت دارد. این ادعا گرچه قابل تأمل است، اما با توجه به این که سن مسئولیت و مقررات آن پس از تصویب قانون مجازات اسلامی، تغییراتی اساسی را به خود دیده است، اعتقاد به منسوخ بودن این ماده موجه تر به نظر می‌رسد.

ماده 10 : «وزارت دادگستری مجاز است محکومین به اعدام یا حبس در کانون اصلاح و تربیت را که سن آنان در موقع اجرای حکم یا در حین آن از هجده سال تجاوز نماید، برای اجرای تمام یا باقیمانده مدت محکومیت به زندانهای عمومی منتقل نماید.»

ماده 11 : «در صورتی که برای اعمال مذکور در ماده يك این قانون، به موجب قوانین دیگری مجازات مقرر شده باشد مرتکب به مجازات اشد محکوم خواهد شد.» این دو ماده هم در حال حاضر کاربردی ندارد و در عداد مواد نسخ شده قرار گرفته است.

3- صور خاص آدمربایی و جرایم مشابه

در قانون مجازات اسلامی و قوانین متفرقه، صورتهای خاصی از آدمربایی یا جرایمی شبیه آدمربایی پیش‌بینی شده که در این جا مناسب است به بررسی این جرایم و رابطه آنها با جرم آدمربایی به معنای خاص آن، بپردازیم:

3-1- ربودن طفل تازه متولد شده

ماده 631 قانون مجازات اسلامی به جرم دزدیدن و مخفی کردن و جابجا نمودن طفل تازه متولد شده، اشاره دارد که شبیه جرم آدم ربایی می‌باشد: «هرکس طفلی را که تازه متولد شده است بدزد یا مخفی کند یا او را به جای طفل دیگری یا متعلق به زن دیگری غیر از مادر طفل قلمداد نماید به شش ماه تا سه سال حبس محکوم خواهد شد و چنانچه احراز شود که طفل مزبور مرده بوده مرتکب به یکصد هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.»

منظور از طفل تازه متولد شده، همان نوزاد انسان است که نام آدم بر او صدق می‌کند. بنابراین در اینجا هم جرم آدم‌ربایی رخ داده است و اگر ماده 631 به صورت خاص بیان نمی‌شد، مشمول ماده 621 بود. علت این که قانونگذار واژه (دزدیدن) را به جای واژه (ربودن) برای ربودن طفل به کار برده است در حالی که دزدیدن معمولاً برای ربودن اموال به کار می‌رود آن است که نوزاد به دلیل ناتوانی از حرکت و دفاع، در حکم مال می‌باشد، هر چند ممکن است قانونگذار به این تفاوت توجهی نداشته و همان آدم‌ربایی را اراده کرده باشد؛ زیرا این دو واژه به جای یکدیگر نیز به کار می‌روند. در مقام تفاوت میان ماده 621 و 631 ممکن است چنین گفته شود که ماده 631 ناظر به موردی است که شخصی، طفل تازه متولد شده را می‌رباید تا خودش او را بزرگ کند یا برای بزرگ کردن به دیگری بدهد یا آن را به جای فرزند خود بزرگ کند مانند، شخصی که فرزند دختر به دنیا نمی‌آورد و در بیمارستان دستبند دختری را با دستبند طفل پسر خود عوض می‌کند. بنابراین چنانچه این تفاوت، صحیح باشد، باید گفت اگر مرتکب ربودن طفل، او را به قصد اخاذی یا هر منظور سوء دیگر بریاید، مشمول ماده 621 خواهد بود و این احتمال، گر چه از ظاهر ماده 631 به دست نمی‌آید اما احتمالی است که می‌توان آن را توجیه کرد. (زراعت، 1379: 125/2)

پرسشی که در این خصوص مطرح می‌شود، آن است که اگر شخصی، طفل تازه متولد شده را بریاید و تا چند سال او را نزد خود مخفی نگه دارد، آیا عمل او از این جهت که در ابتدا، عنوان دزدیدن طفل را داشته است تا زمانی هم که طفل به سن بلوغ می‌رسد، همین عنوان را دارد یا ادامه عملیات مخفی کردن و ربودن که در حقیقت نسبت به شخص غیر طفل صورت می‌گیرد، مشمول ماده 621 می‌شود و یا این که هر دو عنوان مجرمانه بر این عمل صادق است و باید قواعد تعدد جرم را در مورد آن اعمال کرد؟ توجیه احتمال نخست آن است که جرم ربودن طفل، یک جرم مستمر است. بنابراین تا زمانی که ادامه دارد، عنوان ربودن طفل بر آن صدق می‌کند. دلیلی که برای احتمال دوم می‌توان اقامه کرد آن است که عنوان جرم ربودن طفل تا زمانی صدق می‌کند که مجنی‌علیه، طفل و نوزاد باشد. بنابراین وقتی که طفل بزرگ شد و از حالت نوزاد بودن خارج گردید و مرتکب به عملیات مخفی کردن و ربودن ادامه داد، عنوان جرم دیگری هم بر آن عمل صدق می‌کند که ادامه همان عمل اولی است و در اینجا تعدد جرم رخ می‌دهد. به نظر می‌رسد احتمال نخست با قواعد حقوقی و ظاهر دو ماده، سازگارتر است؛ زیرا ادامه نگه داری طفل، نتیجه جرم ربودن طفل است و ربایند، کودک را ربوده است تا نزد خود نگه‌داری و او را بزرگ نماید. همچنین اثر دیگری که بر این احتمال مترتب است، این که اگر ربایند طفل، آسیبی به کودک برساند یا او را به قتل برساند، تابع مقررات عمومی قتل و ایراد صدمه خواهد بود و احکام خاص آدم‌ربایی بر عمل او صدق نمی‌کند.

در ماده 631، ملاک و زمانی برای عنوان تازه متولد بودن، بیان نشده است و به نظر می‌رسد این عنوان تا وقتی است که کودک به صورت کامل برای والدین و اشخاصی که او را دیده‌اند قابل تمایز با کودکان دیگر نباشد، به گونه‌ای که اگر با کودک دیگری جابجا شود قابل تشخیص نباشد، هر چند ملاک مراجعه به عرف نیز قابل دفاع است.

3-2- مخفی کردن اموات

ماده 635 قانون مجازات اسلامی جرم خاصی شبیه مخفی کردن دیگری را بیان می‌کند: «هر کس بدون رعایت نظامات مربوط به دفن اموات، جنازه‌ای را دفن کند یا سبب دفن آن شود یا آن را مخفی نماید، به جزای نقدی از یکصد هزار تا یک میلیون ریال محکوم خواهد شد.» انسان مرده هم آدم محسوب می‌شود و مخفی کردن وی، مخفی کردن آدم است؛ اما قانونگذار، این جرم را به صورت جداگانه و با مجازات بسیار کمتری نسبت به مخفی کردن انسان زنده، پیش‌بینی کرده است؛ زیرا مخفی کردن انسان مرده نتایجی همچون آسیب روحی و سلب آزادی تن را به همراه ندارد.

ماده 636 قانون مجازات اسلامی نیز به جرم مخفی کردن انسان مقتول اشاره کرده است: «هر کس جسد مقتولی را با علم به قتل، مخفی کند یا قبل از این که به اشخاصی که قانوناً مأمور کشف و تعقیب جرایم هستند خبر دهد آن را دفن نماید، به حبس از سه ماه و یک روز تا یک سال محکوم خواهد شد.»

در این دو ماده به ربودن انسان مرده یا مقتول، اشاره‌ای نشده است و نمی‌توان این دو مورد را مشمول ماده 621 دانست؛ زیرا علاوه بر این که این دو مورد، دارای عنوان خاص مجرمانه هستند، اصولاً هدف ممنوعیت آدم‌ربایی، جلوگیری از سلب آزادی تن افراد است و شخص مرده از چنین آزادی برخوردار نیست تا امکان سلب آن وجود داشته باشد. اگر کسی به گمان این که شخص مرده‌ای را مخفی می‌کند، او را مخفی نماید و سپس معلوم شود که آن شخص، زنده بوده است، به نظر می‌رسد که عمل وی مشمول ماده 621 نخواهد بود؛ بلکه این عمل مشمول دو ماده اخیر است؛ زیرا در این جا شبهه موضوعی وجود دارد که عنوان مجرمانه را تغییر می‌دهد.

3-3- مخفی کردن مجرم

ماده 553 قانون مجازات اسلامی، نوع خاصی از مخفی کردن دیگری را بیان کرده است: «هر کس شخصی را که قانوناً دستگیر شده و فرار کرده یا کسی را که متهم است به ارتکاب جرمی و قانوناً امر به دستگیری او شده است مخفی کند یا وسایل فرار او را فراهم کند، به ترتیب ذیل مجازات خواهد شد: چنانچه کسی که فرار کرده محکوم به اعدام یا رجم یا صلب یا قصاص نفس و اطراف و یا قطع ید بوده، مجازات مخفی کننده یا کمک کننده او در فرار، حبس از یک تا سه سال است و اگر محکوم به حبس دائم یا متهم به جرمی بوده که مجازات آن اعدام یا صلب است محکوم به شش ماه تا دو سال حبس خواهد شد و در سایر حالات، مجازات مرتکب، یک ماه تا یک سال حبس خواهد بود.

تبصره - در صورتی که احراز شود فرد فراری دهنده و یا مخفی کننده یقین به بی‌گناهی فرد متهم زندانی داشته و در دادگاه نیز ثابت شود از مجازات معاف خواهد شد.» همان گونه که ملاحظه می‌شود این ماده نیز مانند ماده 621، به جرم مخفی کردن دیگری اشاره دارد و سؤالی که در این جا مطرح می‌شود آن است که رابطه این دو ماده چیست؟ برای پاسخ به این سؤال باید میان دو صورت مختلف تفکیک کرد:

الف - ممکن است آدم ربا با توافق و رضایت مجرم یا متهم، اقدام به ربودن و مخفی کردن وی نماید و انگیزه ربایندگی و مخفی کننده، خلاصی شخص ربوده شده از محاکمه یا مجازات باشد. این صورت مشمول ماده 553 می‌باشد؛ زیرا مخفی کردن با این انگیزه، جرم خاصی است که ماده قانونی خاص دارد. ممکن است گفته شود که ماده 533 فقط به مخفی کردن اشاره دارد و آدم‌ربایی را بیان نکرده است، بنابراین در مورد آدم‌ربایی باید به حکم عام ماده 621 عمل کرد. اما به نظر می‌رسد در این جا ارکان جرم موضوع ماده 621 که رضایت مجنی علیه نیز جزء آنهاست، فراهم نمی‌باشد.

ب - ممکن است آدم ربا قصد رهایی مجرم از محاکمه یا مجازات را نداشته باشد و شخص ربوده شده هم رضایت بر این کار نداشته باشد؛ مانند این که شخصی متهم به رابطه نامشروع با دختری است و دادگاه حکم به تحمل 99 ضربه شلاق می‌دهد، اما پدر دختر ادعا می‌کند که این مجازات هرگز برای مجرم کافی نیست و او آبروی خانواده وی را برده است، بنابراین مجرم را ربوده و در محلی مخفی می‌کند تا خودش او را به سزای عملش برساند. به نظر می‌رسد این مورد، مشمول ماده 621 می‌باشد و ظاهراً قصد فراری دادن مجرم از محاکمه یا مجازات، سوءنیت خاص جرم موضوع ماده 553 می‌باشد که در این جا محقق نمی‌باشد.

3-4- ربودن اتباع ایرانی

قانون تشدید مقابله با اقدامات تروریستی دولت آمریکا، مصوب 10 / 8 / 1368 ربودن اتباع ایرانی در خارج کشور را به عنوان خاص پیش‌بینی کرده است: «ماده واحده - به منظور مقابله به مثل در برابر اقدامات دولت آمریکا، رئیس جمهور موظف است برای دستگیری و مجازات آمریکاییها و عوامل مستقیم یا غیر مستقیم آنها که در محاکم قضایی ایران محکوم شده‌اند اقدامات لازم را به عمل آورد.

تبصره 1- کلیه کشورهایی که مستقیم یا غیر مستقیم با آمریکا در ربودن اتباع ایرانی و یا توطئه علیه جان آنها همکاری نمایند، مشمول این ماده واحده می‌باشند.

تبصره 2- اتباع و عوامل آمریکا و کشورهایی که با آمریکا در آدم‌ربایی و توطئه علیه جان اتباع ایرانی و منافع جمهوری اسلامی ایران همکاری نمایند، در دادگاههای داخل کشور بر مبنای قضای اسلامی محاکمه خواهند شد.

تبصره 3 - این قانون از تاریخ تصویب تا زمانی که رئیس جمهور آمریکا اختیار انجام اقدامات ضد انسانی علیه جان و منافع اتباع ایرانی را دارا باشد و نسبت به لغو مجوز رسمی اقدام ننماید معتبر و لازم الاجرا می‌باشد.»

این قانون قبل از آنکه جنبه حقوقی و قضایی داشته باشد، بیشتر جنبه سیاسی دارد و از نظر قواعد حقوقی از جمله صلاحیت سرزمینی و تداخل وظایف قوا، ایرادهایی دارد که بحث از آنها به این گفتار مربوط نمی‌شود.

3-5- توقیف غیر قانونی

توقیف غیر قانونی و بازداشت افراد نیز مانند آدم‌ربایی منجر به سلب آزادی تن می‌شود و از این جهت و برخی جهات دیگر شبیه آدم‌ربایی است؛ اما میان این دو جرم تفاوتی نیز وجود دارد که باید مورد توجه قرار گیرد و قبل از بیان این تفاوتها ضروری است که عنصر قانونی جرم بازداشت غیر قانونی بیان گردد. این جرم در مواد 575 و 583 قانون مجازات اسلامی پیش‌بینی شده است.

ماده 575: «هرگاه مقامات قضایی یا دیگر مأمورین ذی صلاح بر خلاف قانون توقیف یا دستور بازداشت یا تعقیب جزایی یا قرار مجرمیت کسی را صادر نمایند، به انفسال دایم از سمت قضایی و محرومیت از مشاغل دولتی به مدت پنج سال محکوم خواهند شد.»

این جرم نیز گرچه معمولاً منجر به سلب آزادی تن مجنی علیه می‌شود، اما تفاوت آن با جرم آدم‌ربایی و مخفی کردن دیگری، آشکار است؛ زیرا اولاً فاعل این جرم، مقامات قضایی و مأموران ذی صلاح هستند، اما جرم آدم‌ربایی توسط افراد عادی صورت می‌گیرد. ثانیاً بازداشت غیرقانونی از راه فعل مادی ربودن، محقق می‌شود، اما این جرم از طریق صدور قرار و دستور است. ثالثاً دستور بازداشت و توقیف ممکن است منتهی به بازداشت نشود، مانند این که به متهم دسترسی نباشد یا متهم با سپردن وثیقه یا معرفی کفیل، آزاد شود. رابعاً جرم آدم‌ربایی معمولاً به صورت مخفیانه و دور از چشم دیگران صورت می‌گیرد، اما جرم موضوع این ماده به صورت اداری و علنی صورت می‌گیرد.

ماده 583: «هرکس از مقامات یا مأمورین دولتی یا نیروهای مسلح یا غیر آنها بدون حکمی از مقامات صلاحیت دار در غیر مواردی که در قانون، جلب یا توقیف اشخاص را تجویز نموده، شخصی را توقیف یا حبس کند یا عفا در محلی مخفی نماید به يك تا سه سال حبس یا جزای نقدی از شش تا هجده میلیون ریال محکوم خواهد شد.»

جرم موضوع این ماده، شباهت زیادی با جرم آدم‌ربایی دارد. بنابراین ممکن است در مواردی میان این دو جرم اشتباه شود؛ اما تفاوتی میان آنها وجود دارد که در ذیل توضیح داده می‌شود:

اولاً، ماده 583، مرتکب جرم را (مقامات یا مأموران دولتی یا نیروهای مسلح) دانسته است که اگر چنین باشد، تفاوت آن با جرم آدم‌ربایی که از سوی افراد عادی صورت می‌گیرد روشن است؛ اما عبارت «یا غیر آنها» که به دنبال مأموران دولتی آمده است، شمول این ماده نسبت به افراد عادی را تقویت می‌کند. سابقه وضع این ماده نیز نشان می‌دهد که اختصاص به کارمندان دولت نداشته است؛ زیرا ماده 193 قانون مجازات عمومی که در مورد این جرم بود به توقیف دانش آموزان توسط معلمان اشاره داشت و ماده 71 قانون تعزیرات هم آورده بود: «اولیای قانونی اطفال از قبیل پدر نسبت به اولاد و ولی نسبت به مجنون از مفاد این ماده مستثنی می‌باشند، مشروط بر این که اقدام اولیا از حد قانونی تجاوز ننماید.» قرینه‌ای که برای اختصاص این جرم به کارمندان دولت وجود دارد، ذکر این ماده در فصل مربوط به تقصیرات مقامات و مأموران دولتی است که حذف افراد عادی در اصلاحات بعدی نیز آن را تقویت می‌کند.

ثانیا، به فرض آنکه ماده 583 را شامل افراد عادی نیز بدانیم، می‌توان از نظر عنصر مادی، میان این دو جرم تفکیک کرد، بدین صورت که ماده 583، مخصوص مواردی باشد که سلب آزادی تن به عنوان اجرای قانون صورت گیرد ولی در واقع غیر قانونی باشد، بر خلاف آدمربایی که به صورت مخفیانه و بدون هدف اجرای قانون صورت گیرد، بلکه هدف نامشروعی همچون اخاذی یا تجاوز جنسی و نظایر اینها در پس آن نهفته است و مرتکب، ادعای قانونی بودن عمل خود را ندارد، برخلاف ماده 583 که مرتکب با سوء استفاده از موقعیت خود، اقدام به چنین عملی می‌کند.

ثالثا، عبارتهای «جلب - توقیف - حبس» که در ماده 583 بیان شده است، عرفا با آدمربایی تفاوت دارند؛ اما عبارت «عفا در محلی مخفی نماید» که در ماده 583 بیان شده است، با عبارت «مخفی کند» که در ماده 621 آمده است، شباهت دارد و از این جهت ممکن است موجب خلط آنها شود که برای این تمایز باید به همان ملاکهایی که در بالا گفته شد توجه داشت.

4- عنصر مادی آدمربایی و مخفی کردن

ماده 621 قانون مجازات اسلامی، در حقیقت دو جرم را بیان می‌کند: «آدمربایی» و «مخفی کردن دیگری» که گرچه در بسیاری موارد، یک جرم نتیجه جرم دیگری است، اما این دو جرم، ممکن است به صورت جداگانه هم محقق شوند. بنابراین نباید این دو را یک جرم پنداشت. مثلاً ممکن است شخصی بدون قصد آدمربایی، دیگری را با خود به محلی ببرد و در آن جا تا مدتی بدون هیچ گونه قصد مجرمانه‌ای بمانند، اما ناگهان به ذهن وی خطور کند که همراه خود را به انگیزه‌ای همچون اخاذی یا انتقام، در آن محل مخفی نماید. پس برای بیان عنصر مادی این دو جرم باید میان آدمربایی و مخفی کردن دیگری تفکیک به عمل آورد.

4-1 - آدمربایی

آدمربایی از نظر عنصر مادی شباهت زیادی با ربودن مال دیگری دارد و تفاوت اساسی این دو در چیزی است که ربوده می‌شود (مال و انسان). پس ربودن انسان، بدین معناست که انسانی بدون اراده و رضای واقعی وی توسط دیگری از محلی به محل دیگر انتقال داده شود و آزادی تن او به این وسیله سلب گردد. برای تحقق این عنصر نحوه ربودن تأثیری ندارد. گاهی ممکن است رباینده با قهر و غلبه و خشونت، دست و پای شخصی را گرفته و با زور همراه خود ببرد. گاهی ممکن است با تهدید و اجبار، او را وادار کند که همراه او برود و گاهی ممکن است مجنی‌علیه را فریب دهد و همراه خود ببرد. پس برای تحقق عنصر مادی آدمربایی، دو چیز لازم است: یکی این که جسم مجنی‌علیه از محلی به محل دیگر انتقال داده شود و دیگر این که شخص ربوده شده اراده‌ای از خود نداشته باشد، به گونه‌ای که آزادی تن او محدود گردد. آنچه که در این جا مهم است، سلب آزادی تن است که مورد حمایت جدی قانونگذار می‌باشد.

4-2 - مخفی کردن

مخفی کردن به معنای مستور کردن و پوشاندن است، بدین معنا که مجنی‌علیه بدون اراده خود در محلی که رفت و آمد به آن صورت نمی‌گیرد و امکان خارج شدن از آن وجود ندارد، نگهداری شود که البته در این خصوص هم باید توجه داشت که مخفی کردن، یک معنای عرفی دارد و ممکن است در محلی که مجنی‌علیه در آن نگهداری می‌شود افراد زیادی باشند، اما عنوان مخفی کردن صدق کند؛ مانند این که چند نفر برای کار کردن در محلی همچون معدن یا مزرعه محصور شده، در آن جا نگهداری شوند. ممکن است آدمربایی منتهی به مخفی کردن شود، یعنی رباینده برای این که بر عمل خود سرپوش بگذارد، مجنی‌علیه را در محلی مخفی کند. در این صورت دو جرم محقق نشده است تا بتوان دو مجازات نسبت به آن اعمال کرد؛ بلکه در این جا مخفی کردن، نتیجه منطقی آدمربایی است و یک جرم محسوب می‌شود. محل مخفی کردن، لازم نیست محلی متعلق به مخفی کننده یا شخص دیگری باشد؛ بلکه اگر مرتکب، صاحبخانه‌ای را در خانه خودش هم مخفی نماید مشمول این عنوان مجرمانه خواهد بود.

از نظر عنصر مادی، تفکیک دیگری که میان جرم آدمربایی و مخفی کردن دیگری به عمل آمده است، آتی و مستمر بودن زمان تحقق آنهاست: «ربودن انسان ماهیتاً موجب سلب آزادی موقتی از مجنی‌علیه می‌گردد که جرمی آتی است، در حالی که مخفی کردن، جرمی مستمر است و ممکن است محل آن جایی موقت، محفوظ و دور از انظار باشد.» (گلدوزیان:

199) ایشکالی که بر این تفکیک می‌توان وارد نمود، آن است که نحوه ارتکاب جرم از این نظر در هر دو مورد یکسان است. زمانی که شخصی ربوده شد و از مکانی به مکان دیگر منتقل گردید، جرم آدمربایی محقق می‌شود و تفاوتی ندارد که این ربودن ادامه پیدا کند یا بلافاصله قطع گردد و این خصوصیت در مخفی کردن هم وجود دارد، یعنی وقتی شخصی دیگری را مخفی کرد، جرم مخفی کردن، محقق می‌شود، اعم از این که مخفی کردن، ادامه یابد، یا پس از مدت کوتاهی قطع گردد. فلسفه ممنوعیت جرم که همان جلوگیری از سلب تن دیگری است، در هر دو جرم به نحو یکسان وجود دارد. پس هر دو جرم یا باید جرم آنی و یا مستمر باشند. در پاسخ به این ایراد ممکن است، گفته شود ملاک تمایز جرم آنی و جرم مستمر، زمان لازم برای تحقق عنصر مادی جرم است. یعنی در جرم آنی، زمانی کوتاه برای تحقق جرم کافی است. اما برای تحقق جرم مستمر، زمانی طولانی لازم است و جرم آدمربایی و مخفی کردن، این تفاوت را با هم دارند؛ زیرا جرم آدمربایی به محض این که شخصی ربوده شد، محقق می‌گردد، هر چند طی زمانی کوتاه باشد؛ اما اگر شخصی، دیگری را برای چند دقیقه در محلی مخفی کند و سپس او را آزاد نماید، عنوان (مخفی کردن دیگری) بر عمل او صدق نمی‌کند. این توجیه، قابل دفاع است و در نتیجه، جرم آدمربایی، مشمول مقررات جرایم آنی است. پس اگر شخصی در تهران ربوده شود و به قم انتقال داده شود، رسیدگی به جرم در صلاحیت حوزه قضایی تهران خواهد بود. ممکن است ربودن، همراه با مخفی کردن باشد، مثلاً راننده کامیون، درب کامیون را بر روی شخصی که در عقب کامیون است، قفل کند و آن شخص، ساعت‌ها در همان مکان بماند و سپس او را به حوزه قضایی دیگری ببرد. در این جا کدام عنوان، محقق شده است؟ اگر عنوان مخفی کردن، صدق کند، این يك جرم مستمر است که دادگاه مستقر در هر دو حوزه قضایی صلاحیت رسیدگی خواهند داشت؛ اما اگر آن را آدمربایی بدانیم، دادگاه محلی که شخص در آن جا ربوده شده است، صلاحیت دارد. اگر در همین فرض، دو عمل موصوف، توسط دو نفر صورت گیرد، یعنی يك نفر، در کامیون را قفل کند و شخصی را در آن مخفی نماید و سپس شخص دیگری او را به محل دیگری منتقل نماید، این سؤال مطرح می‌شود که آیا هر دو در يك جرم شرکت کرده‌اند یا جرم هر کدام عنوان خاص خود را دارد؟ ممکن است، گفته شود: در این جا باید به قصد آنها توجه داشت، اگر قصد مجرمان، آن باشد که مجنی‌علیه را ساعتی در محلی مخفی کنند تا سپس به محل دیگری ببرند، عنوان آدمربایی صدق می‌کند؛ زیرا عملیات مخفی کردن، عملیاتی مقدماتی برای ربودن بوده است. اما اگر قصد شخص اول، مخفی کردن باشد و قصد شخص دوم، آدمربایی باشد، عمل هر کدام، مشمول عنوان خاص خود خواهد بود.

انتقادی که بر این دیدگاه وارد است، این که در تفکیک میان جرایم آنی و مستمر، عنصر معنوی و قصد مجرم تأثیری ندارد؛ بلکه باید به عنصر مادی جرم توجه داشت. عنصر مادی جرم آدمربایی و مخفی کردن دیگری معمولاً به صورت فعل مادی مثبت رخ می‌دهد؛ اما احتمال تحقق آن با ترك فعل هم منتفی نیست، مانند این که شخصی در آسانسور گرفتار شود و به مسؤول خرابی آسانسور اطلاع دهد و او به قصد مخفی کردن شخص گرفتار، از نجات وی خودداری کند. اما اگر عنصر مادی این دو جرم را منحصر در فعل مثبت بدانیم، چنین عملی، مصداق مخفی کردن نخواهد بود.

5- عنصر معنوی آدمربایی

جرم آدمربایی نیز همچون بقیه جرایم عمدی، نیاز به قصد مجرمانه و سوء نیت دارد و قصد مجرمانه، اراده آگاهانه نقض قانون جزاست، یعنی مرتکب بداند عملی را که انجام می‌دهد، از نظر قانون، جرم است و با این حال عمداً آن را انجام دهد. اگر قصد ربودن و مخفی کردن را سوء نیت خاص بدانیم، این جرم نیاز به سوء نیت خاص نیز خواهد داشت. اما اگر قصد ربودن و مخفی کردن، جزئی از سوء نیت عام باشد، این جرم نیازی به سوء نیت خاص نخواهد داشت که به نظر می‌رسد احتمال دوم موجه‌تر باشد و در نتیجه مواردی که در ماده 621 بیان شده است (قصد مطالبه وجه، قصد تنظیم و هر منظور دیگر)، انگیزه ارتکاب جرم می‌باشد که در مسؤولیت کیفری تأثیری ندارد. اما نکته‌ای که در این جا باید مورد توجه قرار گیرد، آن است که گاهی ممکن است مرتکب دارای انگیزه خیرخواهانه‌ای باشد؛ مثلاً دختری را که در معرض تجاوز و هتک حیثیت است، برباید تا گزندى به او نرسد یا شخصی را که تحت تعقیب مجرمان است و جان‌ش در خطر می‌باشد مخفی کند، بدون این که شخص ربوده شده یا مخفی شده، از این موضوع خبر داشته باشد و به آن رضایت داده باشد. یا مردی همسر خود را، که بدون اجازه وی به مکانهای ناشایستی می‌رود، در محلی بازداشت و مخفی کند. یا پدری، فرزند خود را که مزاحم همسایه‌ها می‌شود، در زیرزمین خانه مخفی کند. یا مردی، همسر خود را که منزل را ترك نموده، از خانه پدرش برباید و به منزل خود بیاورد. آیا چنین اعمالی را می‌توان به استناد ماده 621، تحت تعقیب قرار داد؟ ممکن است از ظاهر ماده 621 چنین استنباط شود که پاسخ به این پرسشها مثبت است؛ اما منطق حقوقی و انصاف قضایی اقتضا می‌کند که چنین عملی را مشمول ماده مذکور ندانیم، همچنان که سابقه وضع این ماده به خوبی بیانگر این مطلب است؛ زیرا ماده يك قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص، به جای عبارت «هر منظور

دیگر»، عبارت «هر منظور سوء دیگر» را به کار برده بود و در نتیجه، باید گفت که انگیزه خیرخواهانه، در این جا نسبت به مسئولیت کیفری تأثیر دارد و سوء نیت را به کلی زایل می‌کند. ماده 621، گر چه قصد سوء را بیان نکرده، اما مواردی که در این ماده به عنوان مصداق بیان شده است (قصد مطالبه وجه و قصد انتقام)، ظهور در این مطلب دارد. در برخی موارد دیده می‌شود که صاحب خانه یا اهالی محل، دزدی را در حال دزدی، دستگیر کرده و در محلی، مخفی یا بازداشت می‌کنند تا سپس تحویل مقامات مسئول بدهند؛ اما شخص یا اشخاص مخفی کننده، به عنوان آدمربایی یا مخفی کردن دیگری تحت تعقیب قرار می‌گیرند که این امر، بدون اشکال نیست.

6- علل تشدید مجازات آدمربایی

ماده 621 قانون مجازات اسلامی، چهار عامل را به عنوان علل قانونی تشدید مجازات آدمربایی، بیان کرده است که توضیحی مختصر، در مورد این علل، بدون فایده نخواهد بود:

6-1- سن مجنی‌علیه کمتر از پانزده سال تمام باشد

سن بلوغ به موجب ماده 1210 قانون مدنی برای دختر، نه سال تمام قمری و برای پسر، پانزده سال تمام قمری می‌باشد؛ اما در این جا منظور از سال، سال شمسی است و تفاوتی هم میان پسر و دختر وجود ندارد. قانونگذار ما به رغم این که پس از پیروزی انقلاب، تغییراتی در سن بلوغ ایجاد کرد، اما در مورد سن شخص ربوده شده، همچنان به همان ملاک پانزده سال که در قانون تشدید مجازات آدمربایی، پیش بینی شده بود، اکتفا نمود و گویی سن بلوغ در این جا تأثیری ندارد، بلکه مهم آن است که مجنی‌علیه در سنی باشد که آسیب پذیری او زیاد باشد. علت این که قانونگذار، صغر سن را یکی از علل تشدید مجازات قرار داده است؛ آن است که شخص صغیر و کم سن، نیاز به حمایت بیشتری دارد و ربودن او آسیب فراوانی بر وی وارد می‌سازد. همچنین افراد کم سن، زودتر فریب دیگران را می‌خورند و اغفال می‌شوند؛ بنابراین باید از حمایت بیشتری برخوردار شوند.

6-2- ربودن با وسیله نقلیه

وسيله نقلیه بیشتر منصرف به وسیله نقلیه موتوری می‌باشد؛ اما اطلاق آن در این جا شامل وسیله نقلیه غیر موتوری، مانند دوچرخه نیز می‌شود و به نظر می‌رسد منظور قانونگذار، وسایلی است که ارتکاب جرم آدمربایی را تسهیل می‌کنند، هر چند وسیله‌ای مانند تراکتور باشد. و علت این که ربودن با وسیله نقلیه، علت مشدده مجازات به حساب می‌آید، آن است که ارتکاب جرم به این صورت، هم آسان‌تر است و هم موجب رعب و وحشت فراوان می‌شود و امکان فرار مجنی‌علیه کمتر می‌باشد.

6-3- آسیب جسمی به مجنی‌علیه

آسیب جسمی گرچه ظهور در آسیب بدنی دارد، اما ظاهراً آسیب روحی و روانی را هم در بر می‌گیرد. آسیبی که به مجنی‌علیه وارد می‌شود، گاهی بر اثر عملیات آدمربایی است، مانند این که مجنی‌علیه در مقابل عملیات آدمربایی مقاومت کند و آسیبی به او برسد و گاهی آدم ربا به قصد اذیت و آزار مجنی‌علیه، آسیبی به او وارد می‌کند که ظاهر ماده، همه این صورتهای را دربر می‌گیرد، اما باید توجه داشت که لازم است میان ربودن و ورود آسیب، رابطه علیت وجود داشته باشد، بنابراین اگر مجنی‌علیه در محل اختفای خود اقدام به خودکشی کند یا برای فرار، خود را از جایی پرت کند، مشمول این عنوان مشدده نخواهد بود، اما اگر بر اثر ربودن و مخفی کردن و عدم تغذیه صحیح آسیبی به او برسد، موجب تشدید مجازات خواهد بود.

6-4- آسیب حیثیتی به مجنی‌علیه

آسیب حیثیتی به معنای آن است که آبرو و حیثیت مجنی‌علیه در معرض تضییع قرار گیرد و این آسیب معمولاً در مواردی که مجنی‌علیه پسر بچه‌ای زیبا یا از جنس مؤنث باشد، مفروض دانسته می‌شود اما در موارد دیگر باید چنین آسیبی از سوی مجنی‌علیه به اثبات برسد.

7- شروع به آدمربایی

تبصره ماده 621 در مورد شروع به آدمربایی مقرر می‌دارد: «مجازات شروع به ربودن، سه تا پنج سال حبس است.» شروع در آدمربایی، تابع احکام عمومی مربوط به شروع در سایر جرایم است. بنابراین از تکرار این مطالب که مربوط به حقوق جزای عمومی است، خودداری کرده و تنها به ذکر چند نکته بسنده می‌کنیم:

7-1- براساس ظاهر تبصره موصوف، شروع در مخفی کردن دیگری مجازات ندارد، زیرا مخفی کردن، عنوان مجرمانه‌ای است که با آدمربایی تفاوت دارد و شاید قانونگذار به عمد شروع در مخفی کردن را بیان نکرده است؛ زیرا جرم مخفی کردن، جرمی مطلق است که به محض شروع، پایان می‌یابد و جرم به صورت کامل محقق می‌شود. اما این احتمال، قابل رد است؛ زیرا شروع در مخفی کردن، بدون این که منتهی به مخفی کردن شود قابل تصور است، مانند این که شخصی شروع به مخفی کردن دیگری کند و در حال قفل کردن در باشد که دستگیر شود، به علاوه این که اگر جرم مخفی کردن را جرم مستمر بدانیم، لحظات آغازین مخفی کردن، شروع در مخفی کردن به حساب خواهد آمد؛ زیرا برای تحقق کامل این جرم باید زمانی نسبتاً طولانی سپری شود. همچنین این احتمال که قانونگذار، عبارت «شروع در آدمربایی» را برای شروع در مخفی کردن نیز به کار برده باشد، احتمال ضعیفی است، هر چند تبصره را ناظر به متن ماده بدانیم که به هردو جرم اشاره دارد؛ زیرا حکم به چنین مجازات سنگینی نیاز به تصریح قانونگذار دارد.

7-2- ممکن است جرم آدمربایی به صورت ناگهانی و بدون قصد قبلی رخ دهد، مانند این که راننده‌ای يك مسافر را سوار کند و او را مدتی به صورت طبیعی به طرف مقصد خود ببرد و در میانه راه مطلع شود که مسافر، مقدار زیادی پول با خود دارد و از همین جا تصمیم بگیرد که او را برپاید، اما قصد خود را ابراز نکند تا این که به محل خلوتی برسد و در آن جا قصد خود را ابراز نماید. حال کدامیک از این مراحل را باید شروع در آدمربایی به حساب آورد؟ به نظر می‌رسد ملاک تشخیص شروع آدمربایی، آغاز عملیات مادی است (نظریه عینی)، یعنی آدم ربا عملیاتی را آغاز کند که مستقیماً به ربودن دیگری منتهی شود و این اقدامات، معمولاً بیانگر قصد او نیز هست؛ اما صرف قصد را نمی‌توان ملاک قرار داد. بنابراین اگر شخصی قصد ربودن کودکی را داشته باشد و برای این که اعتماد او را به خود جلب کند برای او شکلات بخرد و با او شروع به صحبت کردن کند و با او مقداری راه برود، این عملیات را نمی‌توان شروع در آدمربایی دانست؛ بلکه عملیات مقدماتی است. اما همین که دست او را می‌گیرد تا سوار اتومبیل کند و ببرد، شروع در آدمربایی کرده است و اگر پدر طفل از راه برسد و کودک را از دست او بگیرد، مشمول تبصره ماده 621 خواهد بود. البته اگر عملیات فریب دادن، جزئی از آدمربایی هم باشد، شروع در جرم به حساب می‌آید، مانند این که شخصی، کودکی را با این عنوان که قصد بردن وی نزد پدرش را دارد، سوار اتومبیل خود کند و مقداری از راه را نیز به طرف مقصد کودک برود و در این هنگام دستگیر شود.

7-3- شخصی که دیگری را ربوده است، چنانچه از کرده خود پشیمان شود و مجنی‌علیه را آزاد کند، در مسئولیت کیفری او تأثیری ندارد؛ اما اگر پس از شروع به آدمربایی با میل خود اقدام به ترك آدمربایی نماید، مشمول تبصره دوم ماده 41 قانون مجازات اسلامی خواهد بود: «کسی که شروع به جرمی کرده است، به میل خود آن را ترك کند و اقدام انجام شده جرم باشد از موجبات تخفیف مجازات برخوردار خواهد شد.»

8- دفاع در مقابل آدمربایی

ماده 629 قانون مجازات اسلامی، دفاع در مقابل آدمربایی را یکی از موارد ممتاز دفاع مشروع دانسته که این دفاع، ممکن است تا حد قتل آدم ربا ادامه یابد، بدون این که مسئولیتی متوجه دفاع کننده باشد: «در موارد ذیل قتل عمدی به شرط آنکه دفاع متوقف به قتل باشد مجازات نخواهد داشت:...؛ ج - دفاع در مقابل کسی که در صدد سرقت و ربودن انسان یا مال او برآید.» اصولاً دفاع به شکل ارتکاب قتل در مقابل حمله‌ای که برای ربودن انسان صورت می‌گیرد تناسب ندارد؛ اما قانونگذار، این تناسب را لازم ندانسته است و به همین جهت است که جزء موارد ممتاز دفاع مشروع به حساب می‌آید.

9- غیر قابل تعلیق بودن مجازات آدمربایی

ماده 30 قانون مجازات اسلامی، مجازات جرم آدمربایی را قابل تعلیق نمی‌داند؛ اما در مورد مجازات مخفی کردن دیگری تصریحی ندارد و تفسیر مضیق قانون به نفع متهم، اقتضا می‌کند که مجازات جرم مخفی کردن دیگری قابل تعلیق باشد، همچنان که شروع در آدمربایی و معاونت در آدمربایی نیز قابل تعلیق هستند. ممکن است گفته شود که قانونگذار، جرم آدمربایی و مخفی کردن دیگری را در يك ماده بیان کرده تا احکام یکسانی داشته باشند و فلسفه ممنوعیت تعلیق مجازات آدمربایی، اقتضا می‌کند که مجازات مخفی کردن دیگری هم غیر قابل تعلیق باشد؛ زیرا هر دو جرم از يك درجه قباح و زشتی برخوردار هستند و دلیلی ندارد که قانونگذار در مورد دو جرم یکسان، دو تصمیم متفاوت بگیرد. و به خاطر یکسان بودن آنها نیازی به تصریح به مخفی کردن در ماده 30 ندیده است. این ادعا ممکن است از نظر منطقی و حقوقی موجه باشد؛ اما نص ماده 30 جایی برای این بحثها باقی نمی‌گذارد. (زراعت، 1380: 259)

10- جرم آدمربایی از دیدگاه فقهی

جرم آدمربایی، جرمی است که از گذشته‌های دور وجود داشته و قانونگذار اسلام نیز در مورد آن سکوت نکرده و احکامی را در مورد ربودن انسان بیان کرده است که البته این احکام در بابهای مختلف کتب فقهی آمده است و عده‌ای هم کوشیده‌اند آن را تحت عناوین عام تعزیرات و افساد فی الارض قرار دهند. در این جا جرم آدمربایی را که در مباحث (سرقت - غصب - افساد فی الارض - تعزیر محرمات) تحت بررسی قرار گرفته است، مورد کنکاش قرار می‌دهیم.

10-1- آدمربایی به عنوان سرقت

تمامی فقهای شیعه و سنی اتفاق نظر دارند که شرط تحقق سرقت آن است که موضوع سرقت، مال باشد. بنابراین سرقت انسان امکان ندارد و در نتیجه نمی‌توان مجازات سرقت را در مورد آن اجرا کرد و از این جهت تفاوتی نمی‌کند که مجنی علیه کودک باشد یا بالغ باشد؛ اما اگر عبد بالغ باشد، در مورد آن اختلاف نظر وجود دارد. همچنین در مورد دیوانه اختلاف نظر وجود دارد: «اگر کسی عبد نابالغ یا مجنون را بدزد، دستش قطع می‌شود؛ زیرا عبد نابالغ و مجنون، مال محسوب می‌شوند و امکان سرقت آنها وجود دارد. اما اگر کبیر و عاقل باشند، دست رباینده قطع نمی‌شود؛ زیرا سرقت آنان امکان ندارد و اگر کسی با زور ایشان را برباید، سرقت محسوب نمی‌شود؛ بلکه غصب است، مگر این که مجنی علیه خواب باشد که در این صورت دست سارق قطع می‌گردد؛ زیرا سرقت چنین شخصی امکان دارد.» (ابن قدامة: 634)

در نظریه فوق و نظریه‌های دیگر ملاحظه می‌کنیم که ملاک اجرای حد سرقت، امکان و عدم امکان تحقق عنوان سرقت است و این عنوان در مواردی صدق می‌کند که آنچه ربوده می‌شود، مال باشد. بنابراین نباید میان صورتهای مختلف تفاوت گذاشت؛ زیرا انسان چه خواب باشد و چه بیدار، چه کودک باشد و چه بالغ، نام انسان بر او صدق می‌کند و این تفکیک، قابل انتقاد است. اما در مورد شخص دیوانه، شاید بتوان تأمل کرد؛ زیرا هدف ممنوعیت جرم آدمربایی، تضمین آزادی تن وی می‌باشد و شخص دیوانه، از این نظر مانند شخص محترم عاقل، مورد حمایت قانون نیست. بنابراین ربودن شخص دیوانه نباید مجازات ربودن شخص عاقل را داشته باشد. توجیهی که بر رد این ادعا می‌توان مطرح کرد آن است که آزادی تن، اختصاص به جسم انسان دارد و جسم انسان عاقل و غیر عاقل هم تفاوتی با هم ندارند و به صورت یکسان در حمایت قانون می‌باشند و فقدان قوه ناطقه، تأثیری در این خصوص ندارد. البته دادگاه می‌تواند این تفاوت را ملاکی برای اعمال حداقل و حداکثر مجازات قانونی قرار دهد.

10-2- آدمربایی به عنوان افساد فی الارض

بسیاری از فقها به دلیلی که در بالا گفته شد، تحقق عنوان سرقت را در مورد آدمربایی ممکن نمی‌دانند؛ اما با استناد به روایات شرعی، (حر عاملی: 514/18) مجازات سرقت را برای این جرم هم برقرار کرده‌اند و در توجیه آن به نظریه افساد فی الارض، استناد می‌جویند. عنوان (افساد فی الارض) يك عنوان عامی است که اطلاق آن شامل هر فساد، گناه و جرمی می‌شود؛ اما با توجه به این که برخی از این گناهان عنوان مجرمانه خاصی دارند، باید آن را منصرف به گناهانی دانست که عنوان خاص ندارند و آدمربایی هم یکی از آنهاست؛ اما در مورد این که مجازات افساد فی الارض همان مجازات محاربه است، یا مجازات دیگری دارد، اختلاف نظر وجود دارد. (مرعشی: 43) حق آن است که نمی‌توان هر عمل ناشایست و گناهی را که عنوان خاص مجرمانه‌ای ندارد، تحت شمول عنوان (افساد فی الارض) قرار داد و برای آن مجازات محاربه و افساد فی الارض را برقرار ساخت و نیازی هم به این کار نیست؛ زیرا فقها به صورت خاص،

مصادیق افساد فی الارض را مشخص کرده‌اند و عنوان آدم‌ربایی یکی از همین مصادیق است. شیخ طوسی (ره) در این خصوص می‌فرماید: «هر کس انسان آزادی را بریاید و بفروشد، باید دستش قطع شود؛ زیرا چنین شخصی مفسد فی الارض است.» (102) علامه (ره) حلی میان حالت فروش شخص ربوده شده و عدم آن فرق می‌گذارد و صرف ربودن را فقط مستوجب تعزیر می‌داند: «شرط موضوع سرقت، آن است که مال باشد بنابراین اگر کسی، انسان صغیر آزاد را بریاید و بفروشد، دستش از باب حد سرقت قطع نمی‌شود، بلکه از باب افساد فی الارض قطع می‌شود و اگر مجنی علیه را نفروشد، فقط تأدیب و تعزیر می‌شود و اگر اموالی با او باشد که به حد نصاب برسد، دست سارق قطع نمی‌شود؛ زیرا در تصرف مجنی علیه می‌باشد. اگر مجنی علیه شخص بالغی باشد که بر سر مال خود خوابیده است و به همراه مالش ربوده شود، دست سارق قطع می‌شود و شخص مست و بی هوش و دیوانه نیز همین حکم را دارد.» (421) همچنین بیشتر فقها مجازات آدم‌ربایی را در اینجا مانند سرقت دانسته و حکم به قطع دست کرده‌اند و حتی صاحب جواهر، هر مجازات دیگری را اجتهاد در مقابل نص می‌داند. (نجفی: 511/41) اما توجیهی که برای آن شده است، (مبنی بر این که، قطع دست سارق بخاطر محافظت از اموال مردم است و محافظت از جسم انسان به طریق اولی مستوجب قطع دست است) توجیه محکمی نیست؛ زیرا نمی‌توان این دو را با یکدیگر مقایسه نمود و به همین دلیل شهید ثانی (ره) حکم به قطع دست آدم ربا را تقبیح نموده و قائل شده است، اگر هم آدم ربا را مفسد فی الارض بدانیم، لازم است همان مجازات افساد فی الارض و محاربه را که در قرآن بیان شده است مورد حکم قرار دهیم. ایشان می‌فرماید: «حکم به قطع دست آدم ربا مشکل است؛ زیرا آدم ربا اگر مفسد باشد، لازم است که حاکم، مخیر باشد میان کشتن و قطع دست و پا و اجرای بقیه احکام افساد فی الارض، نه این که تنها مجازات قطع دست را اجرا کند. همچنین توجیهی که در این زمینه شده است مناسب نیست؛ زیرا گفته شده است که وجوب قطع دست سارق به خاطر حراست از مال است و حراست جان مهمتر از حراست مال می‌باشد، پس وجوب قطع دست آدم ربا اولی است، در حالی که حکم به قطع دست فقط برای ربودن مال با شرایط خاصی است و نمی‌توان آن را در مورد ربودن انسان هم بیان کرد و فلسفه قطع دست سارق، تنها حراست از مال نمی‌باشد. (252)

3-10- آدم‌ربایی به عنوان جرم مستوجب تعزیر

کارهای ناپسند و حرام، بسیار زیاد است و قانونگذار اسلام برای همه آنها مجازات تعیین نکرده است؛ بلکه تعداد محدودی از آنها مانند قتل، سرقت، شرب خمر، محاربه، قذف، زنا، لواط، مساحقه، قوادی و... مورد حکم قرار گرفته‌اند و بقیه به صورت کلی به عهده حاکم گذاشته شده‌اند، که به تشخیص خود برای آنها مجازات مناسب تعیین کند، مانند استمناء، از بین بردن بکارت، نیش قبر، نزدیکی با حیوانات، شهادت دروغ و... اما در مورد سایر کارهای حرام، فقها یک قاعده کلی بیان کرده‌اند که مقرر می‌دارد: «هر کس عالماً و عامداً کار حرامی انجام دهد یا واجبی را ترک کند، حاکم به مقداری که مصلحت بداند او را تعزیر می‌کند.» (موسوی خویی: 407/41) بنابراین حکم آدم‌ربایی هم مشمول این قاعده عمومی می‌باشد و حاکم می‌تواند بر حسب مصلحت جامعه، مجازات تعزیری مناسبی را برای آدم‌ربایی برقرار کند، چنانکه بسیاری از فقها به همین صورت فتوا داده‌اند. (نجفی: 511/41) قانون مجازات اسلامی، میان تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده تفکیک نموده (ماده 16 و 17) اما ملاک تفکیک را بیان نکرده است. یکی از ملاکهایی که برای این تفکیک بیان می‌شود آن است که تعزیر، مجازات جرمی است که در منابع شرعی، سابقه قانونگذاری دارد، مانند اهانت به دیگری و مجازات بازدارنده، مجازات جرمی است که در منابع شرعی سابقه قانونگذاری ندارد، مانند جعل اسکناس. یکی از آثاری که بر این تفکیک مترتب می‌شود، شمول مرور زمان نسبت به مجازاتهای بازدارنده و عدم شمول آن نسبت به تعزیرات است، (ماده 173 به بعد قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری) حال چنانچه این تفکیک، درست باشد جرم آدم‌ربایی مشمول مقررات مرور زمان خواهد بود، زیرا در متون شرعی، سابقه قانونگذاری دارد.

4-10- غصب انسان

عنوانی که در کتابهای فقهی برای ربودن قهری انسان به صورت گسترده به کار می‌رود، عنوان (غصب) است؛ اما بحثهایی که در این زمینه شده، بیشتر در مورد مسؤولیت مدنی غاصب، نسبت به اجرت منافع شخص مغضوب یا تلف وی یا صدمات وارده بر وی می‌باشد، که از موضوع بحث ما خارج است. (حسینی شیرازی: 63)

نتیجه‌گیری

از مجموع آنچه گفته شد، نتیجه می‌گیریم که گر چه بسیاری از دادگاهها هنگام رسیدگی به جرم آدم‌ربایی و مخفی کردن دیگری تنها به ماده 621 قانون مجازات اسلامی استناد می‌کنند، اما باید توجه داشت که قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص، مصوب 1353/12/18 به صورت کامل نسخ نشده است و برخی احکام آن هنوز به اعتبار خود باقی است و دادگاهها باید به آنها عمل کنند که رابطه این قانون و ماده 623 قانون مجازات اسلامی، عمده‌ترین بخش مقاله حاضر بود. همچنین باید توجه داشت که جرم «آدم‌ربایی» و «مخفی کردن دیگری» دو جرم متفاوت هستند و عنصر مادی آنها نیز با یکدیگر تفاوت دارد، بنابراین احکام اختصاصی جرم آدم‌ربایی در مورد مخفی کردن دیگری، قابل اعمال نیست؛ مثلاً: مجازات جرم مخفی کردن قابل تعلیق است، شروع در مخفی کردن دیگری مجازات ندارد و... برخی از مصادیق آدم‌ربایی در قانون عنوان خاص مجرمانه دارد که آنها را از شمول عنوان عام آدم‌ربایی خارج می‌کند، مانند ربودن جنازه و ربودن طفل تازه متولد شده و توقیف غیر قانونی اشخاص توسط مقامات دولتی. از نظر فقهی، باید جرم آدم‌ربایی و مخفی کردن دیگری را از مصادیق جرایم تعزیری دانست، که مجازات خاصی در شرع برای آن مشخص نشده است و قانونگذار باتوجه به مصالح اجتماعی، می‌تواند مجازات مناسبی را برای آن در نظر بگیرد.

منابع:

- 1- ابن ادریس، السرانر، گرد آوری شده در سلسله الینابیع الفقهیة توسط علی اصغر مروارید، مؤسسه فقه الشیعة، بیروت، چاپ اول، 1990
- 2- ابن قدامة، عبدالله بن احمد، الکافی فی فقه ابن حنبل، گردآوری شده در الموسوعات الفقهیة توسط علی اصغر مروارید، دار التراث، بیروت، بی تا، الحدود
- 3- جبعی عاملی (شهید ثانی)، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، مكتبة الداوری، قم، بی تا، ج 9
- 4- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، گنج دانش، چاپ چهارم، 1368
- 5- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تا
- 6- حسینی شیرازی، سید محمد، الفقه، دارالعلوم، بیروت چاپ دوم، 1988، ج 78، کتاب الغصب
- 7- زراعت، عباس، شرح قانون مجازات اسلامی، تعزیرات، نشر فیض، چاپ سوم، 1379
- 8- زراعت، عباس، شرح قانون مجازات اسلامی، کلیات، ققنوس، چاپ دوم، 1380
- 9- شیخ طوسی، محمد بن حسن، النهایة فی مجرد الفقه والفتاوی، گردآوری شده در سلسله الینابیع الفقهیة توسط علی اصغر مروارید، مؤسسه الفقه الشیعة، بیروت، چاپ اول 1990، ج 23
- 10- صبحی صالح، نهج البلاغه
- 11- علامه حلی، قواعد الأحکام فی مسائل الحلال و الحرام، گرد آوری شده در سلسله الینابیع الفقهیة
- 12- گلدوزیان، ایرج، حقوق جزای اختصاصی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ هفتم، 1380
- 13- مرعشی، سید محمد حسن، افساد فی الارض، مجله قضایی و حقوقی دادگستری، ش 2
- 14- موريس نخله و روحی البعلبکی و صلاح مطر، القاموس القانونيے الثلاثة، منشورات الحلبي الحقوقية، الطبعة الأولى، 2002

15- موسوی خویی، سید ابو القاسم، مبانی تکملة المنهاج، موسوعة الامام خویی، مؤسسة احیاء آثار الامام الخویی، قم، 1422

16- ناصر زاده، هوشنگ، اعلامیه های حقوق بشر، مؤسسه انتشارات جهاد دانشگاهی، چاپ اول، 1372

17- نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، المكتبة الاسلامية، تهران، چاپ سوم، 1367

18- نجم، محمد صبحی، الجرائم الواقعة على الاشخاص، الدار العلمية الدولية، عمان، الطبعة الاولى، 2002

19- dictionary of law_ elizabeth a martin_ oxford university press